

انواع کنش انام سببه به همراه مثال

کنش‌ها انواعی دارند. برخی مانند تفکر و تخیل، کنش درونی و برخی مانند راه رفتن و نشستن، کنش بیرونی هستند. برخی از آنها، فردی و برخی اجتماعی‌اند. (کنش اجتماعی، نوعی کنش است که با توجه به دیگران انجام می‌شود. در کنش اجتماعی، آگاهی و اراده کنشگر، ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آنهاست. کنش اجتماعی، تنها در حضور فیزیکی دیگران صورت نمی‌گیرد. وقتی راننده‌ای پشت چراغ قرمز می‌ایستد، مقرراتی را رعایت می‌کند که مورد قبول دیگران است. به همین دلیل کنش او اجتماعی است. حتی رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در نیمه شب و به دور از چشم دیگران و حتی دوربین مخفی، کنش اجتماعی است.)

به نظر شما، کنش‌هایی که در حضور دیگران ولی بدون توجه به آنها اتفاق می‌افتند، کنش اجتماعی‌اند؟ برای مثال وقتی فردی در کلاس درس حضور دارد ولی بی‌توجه به اطرافیان، در ذهن خود رودخانه‌ای خروشان را تخیل می‌کند، کنش اجتماعی انجام داده است؟

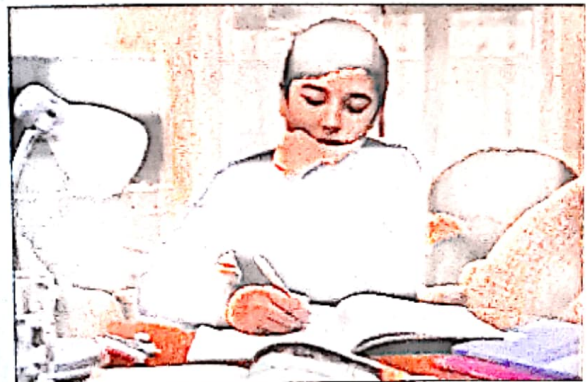
بخوانیم و بدانیم

هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای من در میان جمع و دلم جای دیگرست

روزی ابوعلی سینا در خانه‌اش نشسته بود و یکی از کتاب‌های افلاطون دانشمند یونان باستان را با لذت می‌خواند. او چند سال به دنبال این کتاب گشته بود تا سرانجام آن را به دست آورده بود و عجله داشت تا هر چه زودتر آن را مطالعه کند. هر چه بیشتر می‌خواند لذت بیشتری می‌برد و کنجکاو می‌شد. او برای خواندن مابقی کتاب بیشتر می‌شد. ناگهان در خانه باز شد و یکی از همسایگان وی قدم در خانه گذاشت و با دیدن ابوعلی سینا پرسید: همسایه عزیز چرا تنها نشسته‌ای؟ ابوعلی سینا که رشته افکارش پاره شده بود آهی کشید و گفت: تنها نبودم، الان تنها شدم!



افطار کنار مزار شهیدا



دانستید که در کنش اجتماعی، آگاهی و اراده کنشگر، ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آنهاست. برای شناخت عمیق‌تر کنش اجتماعی، لازم است کمی بیشتر به واژه «دیگران» بیندیشید. کسانی که کنشگران با توجه به آنها، دست به کنش می‌زنند، متفاوت‌اند. در اینجا انواع مختلفی از آنها ذکر شده است. تلاش کنید در ارتباط با هر کدام، یک کنش اجتماعی مثال بزنید.

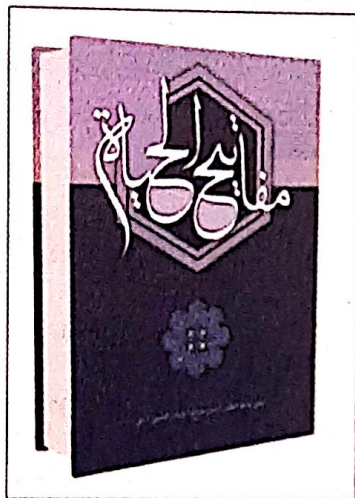
غریبه / آشنا

دوست / دشمن

گذشتگان / معاصران / آیندگان

مؤمن / کافر / منافق

با این مثال‌ها متوجه می‌شوید؛ کنشی که ناظر به هر کدام از موارد بالا صورت می‌گیرد، آداب و قواعد خاصی می‌خواهد. آیا تاکنون فکر کرده‌اید که این آداب چگونه شکل می‌گیرند، چگونه دوام می‌آورند یا تغییر می‌کنند؟



■ (برای آشنایی با آداب مناسبات و ارتباطات انسان با دیگران، می‌توانید به کتاب مفاتیح الحیاة آیت‌الله جوادی آملی مراجعه کنید.)

پدیده‌های اجتماعی کدام‌اند و چگونه شکل می‌گیرند؟

به پدیده‌های اطرافتان توجه کنید. با کمک دبیر خود تعدادی از آنها را روی تخته بنویسید. برخی از پدیده‌هایی که نوشته‌اید، اجتماعی‌اند. آیا می‌توانید آنها را مشخص کنید؟ چرا این پدیده‌ها را اجتماعی می‌دانید؟ این پدیده‌ها چه ارتباطی با کنش اجتماعی دارند؟

در درس هنر، یکی از سرمشق‌هایی که از روی آن خط می‌نوشتند این جمله بود: «ادب آداب دارد.» اگر از شما خواسته می‌شد که درباره این جمله مطلبی بنویسید، چه می‌نوشتید؟

بسیاری از آدابی که ما مراعات می‌کنیم، محصول پدیده‌های اجتماعی اطراف ما هستند که به صورت فرصت‌ها و محدودیت‌ها، پیش روی ما قرار می‌گیرند و اگر وجود نداشته باشند، نمی‌توانیم با هم زندگی کنیم. فکر کنید کوچه‌ها، خیابان‌ها و خط‌کشی‌های مسیر خانه تا مدرسه چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای شما فراهم می‌کنند.



زبان و پوشش؛ پدیده‌های اجتماعی

پدیده اجتماعی / با مال تاریخ دین

بانک، مسجد، پلیس، مدرسه، خانواده، گروه دوستان، نمادها، هنجارها، ارزش‌های اجتماعی و...

نمونه‌هایی از پدیده‌های اجتماعی هستند که در سال گذشته با برخی از آنها آشنا شدید.

به کنش اجتماعی و پیامدهای آن «پدیده اجتماعی» می‌گویند. کنش اجتماعی خردترین (کوچک‌ترین) پدیده اجتماعی است و سایر پدیده‌های اجتماعی، آثار و پیامدهای آن می‌باشند. مثلاً فردی به تنهایی و با صدای دلخواه در مکانی مطالعه می‌کند. حال اگر فرد دیگری وارد شود، مطالعه او به یک کنش اجتماعی تبدیل می‌شود و پای ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به میان می‌آورد. او برای رعایت حقوق دیگری (تحقق یک ارزش) باید در حضور دیگران، آرام مطالعه کند (پیدایش یک هنجار).

هنجار اجتماعی را تاریخ دین
 (هنجار اجتماعی، شیوه انجام کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است. مثلاً در هر جامعه‌ای احوالپرسی از دیگران، شیوه‌های معینی دارد.)

ارزش اجتماعی را تاریخ دین
 (ارزش‌های اجتماعی، آن دسته از پدیده‌های مطلوب و خواستنی‌اند که مورد توجه و پذیرش هستند و افراد یک جامعه نسبت به آنها گرایش و تمایل دارند.)

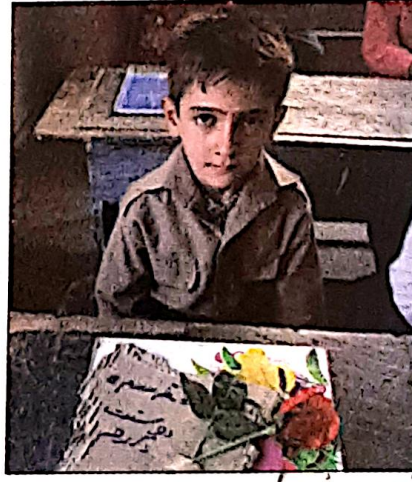
اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ یک از ارزش‌های اجتماعی مانند عدالت، امنیت و آزادی محقق نمی‌شوند.

ارزش‌ها از جنس هدف و مقصود هستند و هنجارها از جنس وسیله و روش رسیدن به ارزش‌ها هستند.

هنجار (شیوه و روش)	ارزش (هدف)
وسایلمان را در جای مناسب بگذاریم.	نظم
به دیگران سلام کنیم و سلام دیگران را پاسخ دهیم.	ادب
پرخوری و کم خوری، پرگویی و کم گویی، پرخواهی و کم خواهی نداشته باشیم.	عفت
پوشش شرعی داشته باشیم.	حجاب
	فرزندآوری

ثروت
ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق می‌یابند و پدیده‌های «جامعه‌پذیری» و «کنترل اجتماعی» را ضروری می‌سازند تا از طریق تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه؛ ارزش‌ها و هنجارها را به افراد منتقل کنند. افراد با عمل کردن براساس ارزش‌ها و هنجارها، موجب تداوم و استمرار آنها می‌شوند.

تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد (کوچک) و کلان (بزرگ) به همین طریق شکل می‌گیرند. پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر به وجود می‌آورند و از آنجا که افراد با آگاهی، اراده و هدف عمل می‌کنند، پدیده‌های اجتماعی معنادار هستند.



پدیده‌های اجتماعی
معنادار هستند؟
پدیده‌های اجتماعی
حلقه‌ها به وجود می‌آورند؟
پدیده‌های اجتماعی
را به یک‌سایز بربرد

پدیده‌های اجتماعی به مرور از انسان‌هایی که آنها را به وجود آورده‌اند، مستقل می‌شوند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای کنش‌ها و زندگی انسان‌ها ایجاد می‌کنند. این روند تا جایی ادامه می‌یابد که افراد احساس می‌کنند «پدیده‌های اجتماعی» همانند «پدیده‌های طبیعی» هستند. در حالی که می‌دانید پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها خلق می‌کنند و نتیجه کنش‌های افراد هستند؛ ولی پدیده‌های طبیعی را انسان‌ها خلق نکرده‌اند.

در مورد همانند پنداشتن پدیده‌های اجتماعی با پدیده‌های طبیعی و آثار و پیامدهای آن تأمل کنید؛ نادیده گرفتن تفاوت علوم طبیعی با علوم انسانی و اجتماعی از این جمله‌اند.

۱- با این پدیده‌ها در درس ۹ بیشتر آشنا می‌شوید.

آیا پدیده‌های اجتماعی مستقل از انسان هستند؟
آیا پدیده‌های اجتماعی همانند پدیده‌های طبیعی هستند؟
آیا پدیده‌های اجتماعی را می‌توان به یک‌سایز بربرد؟

انسان‌ها پدیده‌های اجتماعی را برای رفع نیازها و تأمین سعادت خود پدید می‌آورند؛ ولی چه بسا در مواردی انسان آنها را اصل قرار می‌دهد و رفع نیازها و تأمین سعادت او در حاشیه قرار می‌گیرد؛ به عبارتی به جای اینکه این پدیده‌ها در خدمت سعادت بشر باشند انسان‌ها را به خدمت می‌گیرند؛ مثلاً مراسم عروسی، مقدمه و روش اعلان ازدواج و تشکیل خانواده است ولی گاهی خود جای هدف می‌نشیند و با اعمال شرایط سخت، هزینه‌های سنگین و حاشیه‌های فراوانی که به همراه می‌آورد، یکی از عوامل تأخیر ازدواج و موانع تشکیل خانواده می‌گردد. شما در مورد وضعیت سایر پدیده‌های اجتماعی همچون پول، تکنولوژی و ... تأمل کنید.

مقایسه کنید

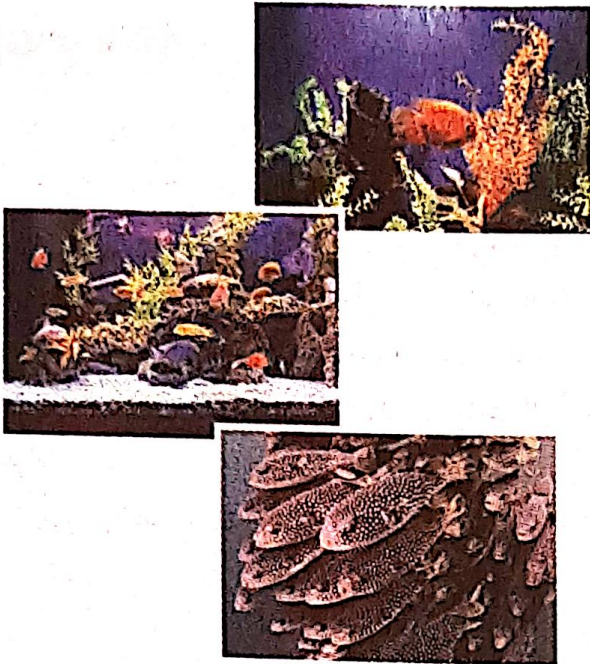
کوه یک پدیده طبیعی و ساختمان اداری، پدیده‌ای اجتماعی است. با مقایسه آنها تفاوت پدیده‌های طبیعی و اجتماعی را تشریح کنید.

معیار	کوه	ساختمان اداری
نقش انسان‌ها در پیدایش آن		
معنادار بودن		
محسوس بودن		

از «من» تا «ما»؟

به نظر شما از «من بودن» تا «ما شدن» چقدر فاصله است؟ این مسیر، گاهی ساده و سر راست به نظر می‌آید و گاهی دشوار و پیچیده! خوب است بدانید که این پرسش، یکی از پرسش‌های مهم علوم اجتماعی است. از آن دسته پرسش‌هایی که جدا از پاسخی که به آن می‌دهیم، فهم خود پرسش، بسیار مهم است. برخی در پاسخ به چنین پرسش‌هایی عجله می‌کنند و از فهم عمیق پرسش باز می‌مانند. راستی شما در این مورد چگونه می‌اندیشید؟

آبی دریا به رنگ آسمان
 قطره‌ها بی‌رنگ و از دریا جداست
 قطره تنها چرا بی‌رنگ ماند؟
 رنگ دریاهای آبی از کجاست؟
 قطره تنها به دور از قطره‌ها
 با خود آهنگ جدایی می‌زند
 قطره‌هایی را که با هم می‌روند
 آسمان رنگ خدایی می‌زند
 این «من و تو» حاصل تفریق ماست
 پس تو هم با من بیا تا ما شویم
 حاصل جمع تمام قطره‌ها
 می‌شود دریا، بیا دریا شویم



(قیصر امین پور)

در باره پیوستن از من تا ما می‌شویم (هم)

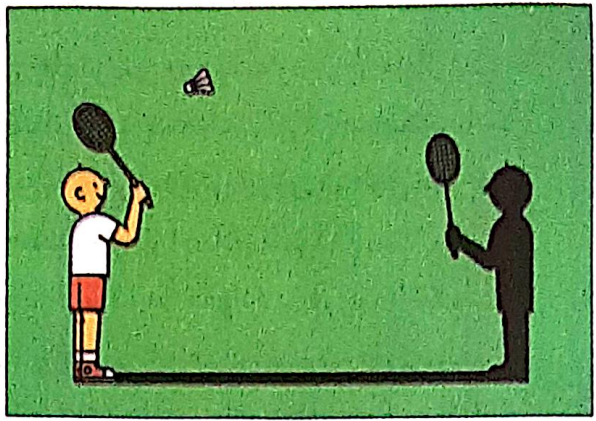
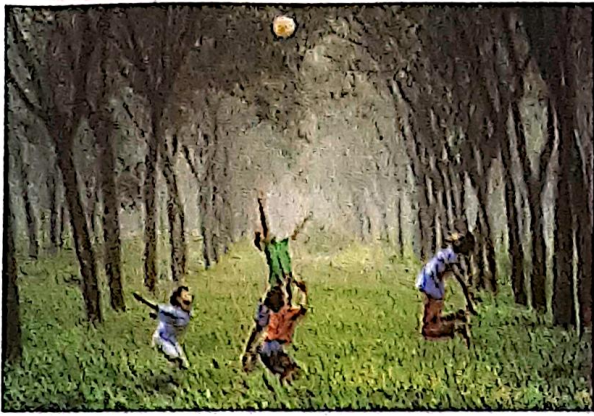
سراسر زندگی اجتماعی می‌تواند زمینه پیوند انسان‌ها با یکدیگر و عبور از «من و تو» و تشکیل «ما» باشد. «من»‌ها درون «ما» حل نمی‌شوند و از بین نمی‌روند بلکه «من»‌ها با «ما» از دایره تنگ و محدود خود فراتر می‌روند و بزرگ و بزرگوار می‌شوند. راستی «ما»‌ها نیز با هم تفاوت دارند. برخی از «ما»‌ها، در رشد، بالندگی و تعالی انسان‌ها تأثیر بیشتری دارند از این رو قرآن کریم می‌فرماید: همواره در راه نیکی و پرهیزکاری تعاون کنید و هرگز در راه گناه

و تعدی همکاری نکنید!

کنش‌های ما انسان‌ها، آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی دارند. این آثار و پیامدها می‌توانند کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت باشند. ازدواج و تشکیل خانواده یکی از زمینه‌های پیوند میان انسان‌ها و گذر از «من» به «ما» است. اکنون در آثار و پیامدهای ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری تأمل کنید.

عزم هر فرد برای ازدواج و تشکیل خانواده و تصمیم هر خانواده برای داشتن فرزند، در شیوه زندگی خودشان و دیگران مؤثر است، مثلاً در خانواده‌های تک‌فرزند، نوع ارتباط، محدود به ارتباط پدر و مادر و فرزند است. در این خانواده‌ها، معمولاً کودکان در خانه ارتباط با افراد هم‌سن و سال و هم‌نسل‌های خود را نمی‌آموزند. در اغلب خانواده‌های تک‌فرزند، والدین، هم انتظار بالایی از فرزند خود دارند و هم حمایت و پشتیبانی زیادی از او به عمل می‌آورند. همین وضعیت می‌تواند کودک را زودرنج و آسیب‌پذیر کند. در عوض در خانواده‌هایی که چندین فرزند دارند از تمرکز افراطی والدین بر فرزندان کاسته می‌شود و پدر و مادر با درک تفاوت‌های کودکان خود، انتظاراتشان را تنظیم می‌کنند. فرزندان نیز در تعامل با یکدیگر، ارتباط گرفتن با دیگران، تقسیم کار، تعاون و همکاری در انجام کارها را یاد می‌گیرند. به نظر شما خانواده تک‌فرزند چه آثار و پیامدهای تربیتی دیگری برای اعضای خود دارد؟

۱- وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعَدْوَانِ. (سوره مائده، آیه ۲)



می دانید که گروه های کوچک مانند محله، روستا، شهر و... و گروه های بزرگ مانند جامعه، کشور و... با وجود فرد فرد اعضا و مشارکت اجتماعی آنها، شکل می گیرند و دوام می آورند. با بروز نقصان و کاستی در تعداد افراد چنین گروه هایی، کمابیش زندگی و دوام آنها با تهدید روبه رو می گردد و در مقابل، با افزایش جمعیت یک قوم، فرهنگ و آیین، امکان تأثیرگذاری آن بر سایر فرهنگ ها، اقوام و آیین ها افزایش می یابد. به همین دلیل، در هر جامعه ای میزان گرایش افراد و خانواده ها به فرزندآوری، از نظر کمی و کیفی اهمیت فراوان دارد. در جامعه ای که اغلب خانواده های آن، چندفرزندی

هستند، با تولد هر نوزاد، نیازهایش به عنوان یک عضو جامعه نیز طرح و پیگیری می شود. آیا همین پدیده نمی تواند زمینه پویایی و بالندگی جامعه را فراهم کند؟ آیا تولد هر نوزاد، نمی تواند نویدبخش تولد یک نابغه و پیدایش ایده یا طرح و برنامه ای نو برای طیف گسترده ای از انسان ها باشد؟

تا سیر افزایش جمعیت در جامعه را ببینیم

بخوانیم و بدانیم

میزان تغییرات جمعیتی هر کشور از طریق محاسبه «میزان رشد طبیعی جمعیت» در بازه های زمانی معین، ارزیابی می شود. میزان رشد طبیعی جمعیت از دو عامل «تعداد تولد» و «تعداد مرگ و میر» و اختلاف بین آنها به دست می آید؛ اگر تعداد تولد به نسبت مرگ و میر، رقم بالایی باشد، رشد جمعیت مثبت است و اگر در زمان و مکان معین، مرگ و میر افراد در مقابل تولد افزایش یابد، رشد جمعیت، منفی خواهد بود. در حال حاضر در برخی کشورها، به ویژه کشورهای صنعتی، رشد جمعیت منفی است. در این کشورها، به دلیل عدم تمایل خانواده ها به فرزندآوری، تعداد موالید در مقایسه با مرگ و میر، کمتر است.

میزان تغییرات جمعیتی چگونه سنجیده می شود؟
رشد مثبت نسبت به منفرات منفرات

شرح جایگزینی و نرخ

در کنار این شاخص، شاخص دیگری با عنوان «نرخ جایگزینی» وجود دارد. نرخ جایگزینی به این معنی است که هر زن در طول عمر خود چه تعداد فرزند به دنیا می آورد. جمعیت‌شناسان رقم جایگزینی را بین عدد ۲/۱ تا ۲/۲ تعیین می کنند. به عبارت دیگر، هر زن در طول عمر خود، باید حداقل دو فرزند به دنیا بیاورد تا روند طبیعی جمعیت دچار اختلال نشود.

(عدم پذیرش مسئولیت والدگری و محدود شدن بعد خانواده به خانواده بی فرزند یا تک فرزند توسط اکثر افراد جامعه، پدیده «سالمندی جمعیت» را در پی خواهد داشت. شاخص سالمندی از افزایش نسبت سالمندان در جمعیت و به بیانی دیگر، کاهش نسبت افراد ۱۴- ساله و افزایش

نسبت افراد ۶۰ یا ۶۵ سال و بالاتر خبر می دهد.)
پدیده سالمندی جمعیت چگونه بر صورت می آید؟

مطالعات نشان می دهد که جمعیت ایران ما به سوی

سالمندی می رود. براساس نتایج یک پژوهش انجام

شده در مرکز آمار، جمعیت ایران تا سال ۱۴۳۰

به حدود ۱۰۱ میلیون نفر خواهد رسید و طبق

پیش بینی های منابع بین المللی، ساختار سنی جمعیت

کشور ما در سال های بعد از ۱۴۳۰، از یک ساختار

کاملاً جوان به یک ساختار سالخورده تبدیل خواهد

شد. پیش بینی ها نشان می دهد که سهم جمعیت ۶۵

ساله و بیشتر، تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۲۲ درصد برسد.

درواقع بیشترین سهم در هرم سنی جمعیت به این

گروه اختصاص می یابد. اگر جمعیت بالای ۶۵ سال

بیش از ۱۰ درصد جمعیت کل کشور باشد، کشور پیر

محسوب می شود. این پدیده، یک زنگ خطر بزرگ

برای آینده ماست!



پدیده مسن شدن جمعیت، تبعات فراوانی به همراه دارد. افزایش جمعیت سالمند کشور، افزایش

هزینه ها را دربر دارد. این هزینه ها عمدتاً به هزینه های بهداشت و درمان مربوط می شود. برای ارائه

خدمات و رفع نیازهای سالمندان، به اندازه کافی نیروی جوان در کشور وجود نخواهد داشت. در

سطح فردی نیز فرزندان خانواده های تک فرزند، ناچارند علاوه بر مسائل شخصی، به تنهایی تعهدات

فرزندی، حمایت عاطفی و رسیدگی به مسائل والدین خود را انجام دهند) به نظر شما مسئله

سالمندی جمعیت، برای کشور ما چه تبعات دیگری دارد؟

پدیده مسن شدن جمعیت، چه تبعات به همراه دارد؟
نیتیه امی